

سه‌شنبه ۲۲ تیر ۱۳۹۵ • سال سیزدهم • شماره ۲۶۲۸ • ۹

شرق روزنامه

نگاه

فساد میلیاردي گذشته، خطای مدیریتی امروز



نعمت احمدی حقوق‌دان

طرح موضوع فیش‌های حقوقی با همه ابعاد آن از همان روزهای اول مشخص بود که مسئله‌ای جناحی است و بیان آن بیش از آنکه برخورد با دریافت‌های این‌چنینی باشد، همه‌کامل‌ا حساب‌شده به دولت است تا درنهایت به دولتی که درواقع پاکدست و مشهور به مبارزه با فساد است تممت حمایت از حقوق‌های کلان را بزند. متأسفانه انتشار فیش‌های‌میلیونی مدیران هم جامعه را به دو بخش تقسیم کرد؛ عده‌ای با دفاع بد خود را وارد میدان کردند و بیشتر باعث سردرگمی جامعه شدند. مثلا آقای ترکان، دبیر شورای هماهنگی مناطق آزاد می‌گوید: «می‌خواهند فسادهای میلیارد دلاری و با قصد مجرمانه در دولت گذشته را با خطای مدیریتی حقوق‌های نامتعارف یک‌به‌یک مساوی جلوه دهند» ایشان مسئله حقوق‌ها را یک خطای مدیریتی می‌داند که حتما باید اصلاح شود تا جایی که حقوق‌های میلیونی را بال مگس دانسته و با اختلاس سه هزار میلیاردی و دو میلیاردو ۷۰۰ میلیون یورویی قابل مقایسه نمی‌داند.

از این‌ دفاع بد، به‌ دفاع بدتری از نادر قاضی‌پور نماینده ارومیه برمی‌خوریم؛ نماینده‌ای که اظهارات جنجالی او راجع به نمایندگان زن مجلس مسئله‌ساز شد و همه فکر می‌کردند که حداقل زنان نماینده به اعتبارنامه او اِی‌راد خواهند گرفت اما از قاضی‌پور نقل شد -که اگر درست باشد جای تأسف است- که به اعتبارنامه هر ۳۰ نفر نماینده تهران اعتراض می‌کند و زمانی که دوسوم نمایندگان به اعتبارنامه منتخبان رای دادند و مجلس آماده انتخاب هیأت‌رئیس‌ه دائمی شد، نمایندگانی که به اعتبارنامه آنها اعتراض شده است، نمی‌توانند در پست‌های مجلس نام‌نویسی کنند و عملا مجلس از ۳۰ نماینده تهران محروم خواهد شد، باوجود این کسی به اعتبارنامه‌اش اعتراض نکرد و با اکثریت آراء اعتبارنامه‌اش تأیید شد. به‌رحال او اخیرا در سخن علنی مجلس با استناد به اصل سوم قانون اساسی در خطاری گفت: «امروز دولت باید لایحه سه‌فوریته برای حقوق‌های نجومی ارائه می‌کرد، چون اصل قضیه این است؛ یکی از اعضاء هیأت‌مدیره بانک خصوصی ۹۰۰ میلیارد پول گرفته. معلوم نیست این پول وام است یا حقوق، اگر حقوق باشد و این فرد ماهی یک میلیارد تومان هم حقوق گرفته باشد، لابد ۹۰۰ ماه که از عمر آن فرد بیشتر است در هیأت‌مدیره بانک خدمت کرده است و اگر ماهی ۱۰ میلیارد تومان هم گرفته باشد بیش از ۹۰ ماه احتمالا عضو هیأت‌مدیره بانک بوده است».

این نوع اطلاع‌رسانی هم بیشتر باعث تشویش اذهان عمومی می‌شود. بر نگارنده معلوم و مشخص نیست که چه اتفاقی افتاده است که عده‌ای انگشت اتهام را به سوی هم نشانه می‌روند درحالی‌که تا قبل از افشاگری‌های اخیر درواقع همه ساکت بودند و انگارنه‌انگار اتفاقی افتاده است.

چرا درباره فیش‌های حقوقی همه دنبال کی بود، کی بود، من نبودم هستند؟ در سال ۱۳۸۶، قانون خدمات مدیریت کشوری تصویب شد، یعنی در سال دوم ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد، قانونی که مبنای بسیاری از نابسامانی‌های دریافتی در بنگاه‌های اقتصادی شده است.

از طرفی برای تعیین حقوق هیأت‌مدیره و مدیران عامل بانک‌ها در اوائل مردادماه سال ۱۳۹۰، آقای محمدرضا رحیمی، معاون اول محمود احمدی‌نژاد که اکنون به دلیل جرم مالی در زندان به سر می‌برد، مصوبه‌ای را که در اردیبهشت‌ماه همان سال برای تعیین حقوق و دستمزد مدیرعامل بانک صنعت و معدن صادر شده بود، در بخش نامه‌ای مبنای حقوق دیگر بانک‌ها قرار داد؛ یعنی عملا با تکیه بر قانون مدیریت خدمات کشوری دست بانک‌ها را باز گذاشتند تا جمع حقوق و مزایای خود را تا می‌توانند بالا ببرند و با تکیه بر مصوبه تعیین حقوق هیأت‌مدیره بانک دولتی صنعت و معدن دیگر بانک‌ها هم بتوانند مفر و ممر قانونی داشته باشند.

متأسفانه مسئولان طراز اول بانک‌های ما تعدادی افراد شناخته‌شده و محدود هستند.

از سالیان گذشته با چند اسم آشنا هستیم که از این بانک به آن بانک می‌روند؛ خاوری از بانک سپه به بانک ملی رفت و فراری شد، علی صدقی از بانک ملی به بانک رفاه رفت و معزول شد، رئیس کل بانک مرکزی سابقه مدیریت اکثر بانک‌ها را در پرونده خود دارد. ظاهرا ریاست بر بانک‌ها به دور بسته‌ای منتهی می‌شود که از یک جمع شناخته‌شده خارج نمی‌شود. لابد خواهند گفت این جمع با تکیه بر مدیریت طولانی‌مدت خود بر بانک‌های مختلف با مقررات بانکی آشنا هستند.

در پاسخ باید گفت با مقررات و نحوه دریافت حقوق‌های میلیونی هم آشنا هستند؟ در پرونده اخیر همه کاسه‌وکوزه‌ها سر آقای علی صدقی، مدیرعامل معزول بانک رفاه شکسته شد اما بد نیست به صحبت‌های آقا تقی نوربخش، مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی با روزنامه «شرق» شماره ۲۶۲۱ توجه کنید تا میزان تقصیر هر یک از طرفین را در فیش حقوقی ایشان ببینیم و حاضر نباشیم آبروی مؤمن بیش از این برود.

صاحب این قلم، آقای صدقی را نه دیده‌ام و نه می‌شناسم، مردی که در جامعه به مدیر ۴۴میلیون‌تومانی معروف شد، آیا واقعا هر ماه ۲۰ میلیون تومان حقوق می‌گرفت؟ به بخشی از سؤال و جواب خبرنگار روزنامه «شرق» با آقای نوربخش در همین‌باره توجه کنید: ماجرابی که درباره بانک رفاه اتفاق افتاد و انتشار فیش حقوقی نجومی مدیرعامل آن، به لحاظ امنیت روانی شباهه همان اثری بود که کار آقای زنجانی با سازمان تأمین اجتماعی داشت. نظرتان دراین‌باره چیست؟

ادامه در صفحه ۱۲

یادداشت

راه درمان درد



سیدعلی میرباقری*

جامعه ما دچار مسئله اجتماعی است؛ مسئله‌ای که متأسفانه در دهه‌های اخیر جدی گرفته نشده است. بی‌کاری، فقر، اختلاف طبقاتی، فساد اداری، ناکارآمدی دستگاه‌های مسئول در انجام مأموریت‌های اجتماعی، اعتیاد، ترلززل در نظام خانواده، ترلززل در نظام آموزشی، ترلززل در نظام کوکها و ... همگی عواملی هستند که راه رسیدن به آرامش اجتماعی را سد می‌کنند. شکی نیست که در سراسر عالم همه انسان‌ها با هر بیش و جهان‌بینی‌ای به روش‌های مختلف به دنبال پدیده‌ای به نام آرامش هستند. بدیهی است جامعه آرام و سالم، از افرادی تشکیل شده است که دارای شخصیت سازگار، روحیه وارسته و جهان‌بینی صالح و دارای هوش کافی باشند. چنین جامعه‌ای در شرایط سخت و بحرانی می‌تواند برای نجات از فضای دردآلود و ناآرام، خود را از بین‌بست و ناخوشی نجات دهد و به آرامش و ثبات اجتماعی و سلامت روحی و روانی برساند؛ ریشه اصلی و منشأ جامعه سالم، خانواده استاندارد و برعکس است؛ جامعه استاندارد، خانواده استاندارد تولید می‌کند و خانواده استاندارد، جامعه بهنجار و سالم را پایه‌ریزی می‌کند. اختلاف طبقاتی شدید عاملی است که می‌تواند مانعی برای رسیدن به آرامش، هم برای اقلیت مرفه و هم برای اکثریت فقیر شود. این در حالی است که متصدیان آرامش جامعه ایرانی، به‌جای اینکه علت‌زدایی کنند، به تشکیل دهه‌ها سازمان و ستاد فقط نشانه‌های پاک می‌کنند؛ غافل از اینکه با حذف نشانه‌ها و علانیه که خود مسیر و راه شناخت درد است، فقط مشکل را پیچیده‌تر می‌کنند و اصل مشکل به شکل و سطح گسترده‌تری بروز می‌کند. می‌گویند سن ازدواج بالا رفته است؛ اما فرد نتواند مسکن، اشتغال یا درآمد مناسب با هزینه‌های زندگی خود را داشته باشد چگونه می‌توانند ازدواج کند؟ دستگاه‌های اجرایی، مراکز فرهنگی و تربیتی، صداوسیما، آموزش‌وپروزش، وزارت اقتصاد و دارایی، وزارت کار و رفاه اجتماعی و ... در این رابطه مسئول هستند. درحال‌حاضر این هماهنگی و توانایی در دستگاه‌های مسئول وجود ندارد. پیشنهاد نگارنده این است که اتاق فکر بسیار سنجیده‌ای از متخصصان علاقه‌مند به جامعه، انسانیت، مهمن و اخلاق‌گرا و درعین‌حال باانگیزه بر حل مسائل اجتماعی تشکیل شود. هرکدام از این دستگاه‌ها به‌نوبه خود باید دست به تصور آن‌ها بزنند و نیاز مردم برای درمان دردهای اجتماعی راحل ارائه دهند. وزارت ارشاد باید امکان تفریح منطقی را فراهم کند و وزارت اقتصاد باید به‌دنبال برنامه‌ای کارآمد باشد که هیچ‌کس زیر خط فقر نرود و مالیات را ثروت‌های کلان درست گرفته شود.

این جمع با تکیه بر مدیریت طولانی‌مدت خود بر بانک‌های مختلف با مقررات بانکی آشنا هستند. متأسفانه مسئولان طراز اول بانک‌های ما تعدادی افراد شناخته‌شده و محدود هستند. از سالیان گذشته با چند اسم آشنا هستیم که از این بانک به آن بانک می‌روند؛ خاوری از بانک سپه به بانک ملی رفت و فراری شد، علی صدقی از بانک ملی به بانک رفاه رفت و معزول شد، رئیس کل بانک مرکزی سابقه مدیریت اکثر بانک‌ها را در پرونده خود دارد. ظاهرا ریاست بر بانک‌ها به دور بسته‌ای منتهی می‌شود که از یک جمع شناخته‌شده خارج نمی‌شود. لابد خواهند گفت این جمع با تکیه بر مدیریت طولانی‌مدت خود بر بانک‌های مختلف با مقررات بانکی آشنا هستند. در پاسخ باید گفت با مقررات و نحوه دریافت حقوق‌های میلیونی هم آشنا هستند؟ در پرونده اخیر همه کاسه‌وکوزه‌ها سر آقای علی صدقی، مدیرعامل معزول بانک رفاه شکسته شد اما بد نیست به صحبت‌های آقا تقی نوربخش، مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی با روزنامه «شرق» شماره ۲۶۲۱ توجه کنید تا میزان تقصیر هر یک از طرفین را در فیش حقوقی ایشان ببینیم و حاضر نباشیم آبروی مؤمن بیش از این برود. صاحب این قلم، آقای صدقی را نه دیده‌ام و نه می‌شناسم، مردی که در جامعه به مدیر ۴۴میلیون‌تومانی معروف شد، آیا واقعا هر ماه ۲۰ میلیون تومان حقوق می‌گرفت؟ به بخشی از سؤال و جواب خبرنگار روزنامه «شرق» با آقای نوربخش در همین‌باره توجه کنید: ماجرابی که درباره بانک رفاه اتفاق افتاد و انتشار فیش حقوقی نجومی مدیرعامل آن، به لحاظ امنیت روانی شباهه همان اثری بود که کار آقای زنجانی با سازمان تأمین اجتماعی داشت. نظرتان دراین‌باره چیست؟

استاد دانشگاه



عکس: آندریاس رهبر

ارزیابی الهه کولایی از شایعه عبور اصلاح‌طلبان از حسن روحانی در گفت‌وگو با «شرق»

روحانی گزینه مطلوب اصلاح‌طلبان است

خواب آشفته محافظه‌کاران است و شایعه‌سازی‌هایشان در عمل تأثیری بر رفتار ائتلافی اصلاح‌طلبان – اعتدال‌گرایان ندارد.

✎ انتشار چنین شایعاتی می‌تواند به پشتوانه مردمی دولت روحانی و شخص او برای رقابت‌های ریاست‌جمهوری آتی ضربه بزند؟

آنچه می‌تواند پایگاه اجتماعی روحانی را تضعیف کند، عملکرد دولت در پاسخ به هجوم تبلیغاتی است که علیه‌اش می‌شود. متأسفانه در برخی موارد مثل ماجرای فیش‌های حقوقی و حملات سنگینی که از سوی بنابان ائتلاف هزاران میلیاردی بیت‌المال در سال‌های گذشته صورت گرفت، خیلی مناسب نبوده و دولت در این میان کمی منفع عمل کرده است.

✎ پیشنهاد شما به دولت روحانی برای مقابله با این هجمه‌های تبلیغاتی محافظه‌کاران چیست؟

دولت نباید این اشتباهات را بپوشاند، بلکه باید بیاید و مقابل این جریان بایستد و نگذارد مخالفان دولت‌ش که مخالفان اصلاحات و عموم مردم هستند، فکر کنند که این ماجرا نقطه ضعف دولت است. خوشبختانه تا حدی در موضوع فیش‌ها، چنین رویکردی در دستور کار دولت قرار گرفته که البته باز هم اطلاع‌رسانی مطلوبی از آن نمی‌شود. دولت باید با برخورد جدی با چنین مسائلی مخالفانش را به حاشیه براند و اعتماد هوادارانش را حفظ کند. دولت باید قاطعانه با چنین موج‌آفرینی‌هایی برخورد کند و نشان دهد که هیچ ترسی از غارتگران بیت‌المال ندارد.

✎ به نظرتان پشتوانه مردمی و جایگاه اجتماعی روحانی و دولت امید نسبت به خرداد ۹۲ چه تغییری کرده است؟ آیا روحانی و تیمش توانسته این پایگاه اجتماعی را حفظ یا تقویت کند؟

تصور می‌کنم ملت ایران هشت سال دولت علم ستیز را در کشور تجربه و تحمل کردند و از به‌تأراج‌رفتن میلیارددلاری بیت‌المال درس‌های خوبی گرفته‌اند. البته این به معنای این نیست که مردم با گروهی عهد و پیمان ناکستنی دارند. دولت یازدهم و شخص رئیس‌جمهور که مورد تأیید ائتلاف اصلاح‌طلبان – اعتدال‌گرایان است، باید در نظر داشته باشد فرصت و مجال اندکی پیش‌رو دارد و باید در این مجال بتواند با همه ابزارهای نظارتی که در اختیار دارد، اعتماد مردم را به دستگاه اجرا جذب کند.

✎ مدتی است برخی گروه‌های وابسته به اصولگرایان و رسانه‌های پرشمارشان بحث نارضایتی مردم از عملکرد دولت روحانی را مطرح کرده و روی آن مانور می‌دهند. آنها تلاش دارند القا کنند حسن روحانی یک رئیس‌جمهور تک‌دوره‌ای است و دیگر قدرت‌رای‌آوری مجدد را ندارد اما وقتی خیلی بازخورد مثبتی ندیدند به‌تازگی شایعه عبور اصلاح‌طلبان از حسن روحانی برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۶ را در فضای رسانه‌ای منتشر کرده‌اند. به نظرتان طرح چنین شایعاتی برای چیست؟

در انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۲ اکثریت مردم به عهده‌ها یا گروه‌های سیاسی جریان راست پشت و پا رای خود، اسباب پیروزی حسن روحانی را فراهم کردند. در کنار آن رفتار تاریخی محمدرضا عارف در کناره‌گیری از رقابت با روحانی به نفع ائتلاف اصلاح‌طلبان، فرایندی بود که سبب شکل‌گیری دولت اعتدال‌گرای یازدهم شد و این پیروزی اصلاحات – اعتدال‌گرایان در انتخابات بود. از سوی دیگر هم باید اشاره کنم رفتار معقول حسن روحانی در سیاست خارجی و آثار آن بر روابط بین‌المللی کشور که انصافا جایگاه بین‌المللی ایران را ارتقا داده است، سبب جذب اعتماد مجدد هواداران ائتلاف اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان شد. با وجود شرایط بسیار دشوار انتخابات مجلس و امکان حداقلی در زمینه نامزدهای تأییدصلاحیت‌شده برای بستن فهرست‌ها در مقایسه با جریان مقابل، پیروزی ائتلاف امید در انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی که در اسفند ۹۴ و اردیبهشت ۹۵ دوباره تکرار شد. تکرار این پیروزی به معنای شکست جریان راست در مقابل یکپارچگی ائتلاف اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان نبود. حفظ این یکپارچگی از سوی هواداران ائتلاف که تغییر را د شرایط زندگی خود لمس کرده‌اند، باعث تعجب و حیرت مخالفان اصلاحات که درواقع مخالف عموم مردم هستند، شده است. به همین دلیل این طیف ناکام که به‌شدت مخالف خردورزی به‌کار گرفته‌شده در سیاست خارجی کشور و فضای آرام سیاست داخلی و رونق فرهنگی هستند، از ماه‌های گذشته ساز مخالف را کوک کرده‌اند و در هفته‌های گذشته در شکل و طرح‌های جدید آن را ادامه داده‌اند. این شایعات تلاش محافظه‌کاران برای جبران شکست‌های بیابیی‌شان از سال ۹۲ است.

✎ به نظرتان چه هدف بلندتری در پس طرح چنین شایعاتی است؟ چرا بحث عبور اصلاح‌طلبان از رئیس‌جمهور مانند دوران اصلاحات، دستاویز منتقدان دولت شده است؟

هرچند که معتقدم این مخالفت‌ها و طرح آنها از یکپارچگی برخوردار نیست اما حفظ این رویکرد برای گروه‌های سیاسی جریان محافظه‌کار ضرورت دارد چون آنها می‌خواهند در انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۶ باز هم با همان روش همیشگی خود یعنی «تخریب» نامزد ائتلاف اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان، خواسته‌هایشان را تأمین کنند. هدف آنها از طرح شایعه عبور اصلاحات و رئیس‌جمهور دوران اصلاحات از حسن روحانی، فقط برای القای شکاف بین ائتلاف اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان است. آنها می‌خواهند هواداران این ائتلاف را دلسرد کنند تا در انتخابات سال آتی شاهد یکپارچگی حامیان اصلاحات و اعتدال‌گرایان نباشند. البته این امیدواری و تلاش‌ها به عقیده من تنها برآمده از

✎ به نظرتان اصلاح‌طلبان اگر قدرت انتخاب بیشتری داشتند، باز هم از حسن روحانی حمایت می‌کردند؟

این واقعیت که حسن روحانی، یک رئیس‌جمهور اصلاح‌طلب نیست، به اشکال گوناگون از سوی جریان اصلاحات و حتی خود حسن روحانی تأیید شده است. من فکر می‌کنم شرایط کنونی کشور شرایطی نیست که گروه‌های سیاسی بخوانند با توهم‌پردازی سال‌های گذشته، درصدد احیای جایگاهشان برآیند چراکه با درنظرداشتن واقعیات، چنین فرصتی از سوی سطوح دیگر هرگز به آنها داده نخواهد شد. بنابراین هواداران اصلاحات باید بدانند همه تلاش این جریان سیاسی آن است که براساس واقعیت تصمیم بگیرند و گزینه‌های عملی را بیشتر مورد توجه قرار دهند. رویکارایی و توهم‌بافی نمی‌تواند منجر به تغییرات قابل‌قبولی شود. به عقیده من حمایت از روحانی درحالی‌که او مقابل جریان محافظه‌کار قرار گرفته است، به‌عنوان یک گزینه مقدور، قابل‌چشم‌پوشی نیست، البته باید اضافه کنم که عالم سیاست، عالم قطعیت نیست و همیشه نباید انتظار حاسه را داشت.

✎ نقدی به دولت مطرح می‌شود که به برخی شعارهای انتخاباتی‌اش از جمله کشایش فضای سیاست داخلی کشور عمل نکرده است. برخی حامیان دولت بر این باورند فرصت اجرای برخی شعارها برای دولت پیش نیامده وگر نه آقای روحانی به شعارها پشت نکرده است. تحلیل شما از این انتقادها



فرزانه آیینی

اصلاح‌طلبان از حسن روحانی عبور می‌کنند؟ این سؤالی است که در پس خبرهای دواپسان مبنی بر «اختلاف اصلاح‌طلبان با حسن روحانی» در فضای رسانه‌ای کشور بارها از سوی تحلیلگران سیاسی، غیرواقعی و شایعه‌خوانده شده و این تحلیل آنان در رسانه‌ها انعکاس می‌یابد. اینکه هدف از طرح چنین شایعاتی چیست و این شایعات چه چیزی را نشانه گرفته‌اند، از جمله موضوعاتی است که تحلیلگران سیاست داخلی به آنها پاسخ می‌دهند. البته پاسخ‌شان هم مشترک است و کوتاه: «رقیب از موفقیت دوباره ائتلاف خرداد ۹۲ می‌ترسد». آنها بر این باورند که تجربه انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۲ و انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان اسفند گذشته، جناح راست را آن چنان هراسان کرده است که برای جلوگیری از ثبت رکورد جدید حضور مردمی در انتخابات ۹۶ یا همان «کام سوم ائتلاف امید» نقشه می‌کشند و شایعه می‌یافند. الهه کولایی، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران و عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت در گفت‌وگو با «شرق» درباره جرایب طرح چنین شایعاتی و تأثیر طرح آنها بر پشتوانه مردمی و بدنه اجتماعی حامی حسن روحانی در آستانه انتخابات دوازدهمین دوره ریاست‌جمهوری ارزیابی خود را ارائه کرد. به عقیده کولایی طرح چنین شایعاتی برآمده از خواب آشفته محافظه‌کاران برای به‌درکردن روحانی از قدرت است. او می‌گوید: «طرح شایعات برای تک‌دوره‌ای‌بودن ریاست‌جمهوری روحانی و حمایت‌نکردن مجدد اصلاح‌طلبان از او برای ایجاد شکاف بین ائتلاف اصلاحات – اعتدال‌گرایان است».

✎ مدتی است برخی گروه‌های وابسته به اصولگرایان و رسانه‌های پرشمارشان بحث نارضایتی مردم از عملکرد دولت روحانی را مطرح کرده و روی آن مانور می‌دهند. آنها تلاش دارند القا کنند حسن روحانی یک رئیس‌جمهور تک‌دوره‌ای است و دیگر قدرت‌رای‌آوری مجدد را ندارد اما وقتی خیلی بازخورد مثبتی ندیدند به‌تازگی شایعه عبور اصلاح‌طلبان از حسن روحانی برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۶ را در فضای رسانه‌ای منتشر کرده‌اند. به نظرتان طرح چنین شایعاتی برای چیست؟

در انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۲ اکثریت مردم به عهده‌ها یا گروه‌های سیاسی جریان راست پشت و پا رای خود، اسباب پیروزی حسن روحانی را فراهم کردند. در کنار آن رفتار تاریخی محمدرضا عارف در کناره‌گیری از رقابت با روحانی به نفع ائتلاف اصلاح‌طلبان، فرایندی بود که سبب شکل‌گیری دولت اعتدال‌گرای یازدهم شد و این پیروزی اصلاحات – اعتدال‌گرایان در انتخابات بود. از سوی دیگر هم باید اشاره کنم رفتار معقول حسن روحانی در سیاست خارجی و آثار آن بر روابط بین‌المللی کشور که انصافا جایگاه بین‌المللی ایران را ارتقا داده است، سبب جذب اعتماد مجدد هواداران ائتلاف اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان شد. با وجود شرایط بسیار دشوار انتخابات مجلس و امکان حداقلی در زمینه نامزدهای تأییدصلاحیت‌شده برای بستن فهرست‌ها در مقایسه با جریان مقابل، پیروزی ائتلاف امید در انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی که در اسفند ۹۴ و اردیبهشت ۹۵ دوباره تکرار شد. تکرار این پیروزی به معنای شکست جریان راست در مقابل یکپارچگی ائتلاف اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان نبود. حفظ این یکپارچگی از سوی هواداران ائتلاف که تغییر را د شرایط زندگی خود لمس کرده‌اند، باعث تعجب و حیرت مخالفان اصلاحات که درواقع مخالف عموم مردم هستند، شده است. به همین دلیل این طیف ناکام که به‌شدت مخالف خردورزی به‌کار گرفته‌شده در سیاست خارجی کشور و فضای آرام سیاست داخلی و رونق فرهنگی هستند، از ماه‌های گذشته ساز مخالف را کوک کرده‌اند و در هفته‌های گذشته در شکل و طرح‌های جدید آن را ادامه داده‌اند. این شایعات تلاش محافظه‌کاران برای جبران شکست‌های بیابیی‌شان از سال ۹۲ است.

✎ به نظرتان چه هدف بلندتری در پس طرح چنین شایعاتی است؟ چرا بحث عبور اصلاح‌طلبان از رئیس‌جمهور مانند دوران اصلاحات، دستاویز منتقدان دولت شده است؟

هرچند که معتقدم این مخالفت‌ها و طرح آنها از یکپارچگی برخوردار نیست اما حفظ این رویکرد برای گروه‌های سیاسی جریان محافظه‌کار ضرورت دارد چون آنها می‌خواهند در انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۶ باز هم با همان روش همیشگی خود یعنی «تخریب» نامزد ائتلاف اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان، خواسته‌هایشان را تأمین کنند. هدف آنها از طرح شایعه عبور اصلاحات و رئیس‌جمهور دوران اصلاحات از حسن روحانی، فقط برای القای شکاف بین ائتلاف اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان است. آنها می‌خواهند هواداران این ائتلاف را دلسرد کنند تا در انتخابات سال آتی شاهد یکپارچگی حامیان اصلاحات و اعتدال‌گرایان نباشند. البته این امیدواری و تلاش‌ها به عقیده من تنها برآمده از